



# هفته نامه زمان طهور



در این شماره می خوانیم:

صله امام، راه بخشش گناهان  
پناه بردن به دعا و تضرع به پیشگاه خداوند عزوجل  
سبحان الله! آل محمد ﷺ و آدرس اشتباه؟  
احمد الحسن همچون یحیی و عیسی دلیل می آورد  
پاره هایی از عهد ماندگار  
یاسر الحبيب و فهم عجیب وی از نظریه های علمی  
اهتمام به یادگیری روایات اهل بیت ﷺ

شماره ۸۶



## همه ما این دنیا را ترک می کنیم

پیام صفحه فیسبوک سید احمد الحسن (ع): ۲ اوت ۲۰۲۰ م

همه ما این دنیا را ترک می کنیم؛ اما کسانی یافت می شوند که در آن همچون نسیم پاک و مبارکی عبور خواهند کرد، و هرکس که آن [نسیم] از وی عبور کرده و آن را بشناسد، دوستدار و عاشق و وابسته آن خواهد شد و از نبودش رنج خواهد برد.

مهندس "هشام حسین" با من کار کرد و خیلی به من کمک کرد، خداوند او را پاداش خیر دهد و از خداوند می خواهم او را با محمد و آل محمد محشور فرماید، او سرپرست من و سرپرست نیکوکاران است. خداوند اجری عظیم به پدر و مادر و همسر و تمام خانواده و دوستداران او عنایت کند و از خداوند می خواهم که برای آنچه از مصیبت برایشان اتفاق افتاده است به آن ها صبر عطا کند و او سخاوتمندترین سخاوتمندان است.

## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

# پیشگاه

## فهرست

- ۲..... صلهٔ امام، راه بخشش گناهان
- ۳..... پناه بردن به دعا و تضرع به پیشگاه خداوند عزوجل
- ۵..... سبحان الله! آل محمد ﷺ و آدرس اشتباه؟
- ۷..... احمد الحسن همچون یحیی و عیسی ﷺ دلیل می آورد.....
- ۱۰..... پاره‌هایی از عهد ماندگار.....
- ۱۲..... یاسر الحبيب و فهم عجیب وی از نظریه‌های علمی.....
- ۱۴..... اهتمام به یادگیری روایات اهل بیت ﷺ.....
- ۱۵..... سؤالاتی در خصوص خمس.....



### هفته‌نامه زمان ظهور

هفته‌نامه زمان ظهور، شماره ۸۶، پنج شنبه  
۱۶ مرداد ۱۳۹۹، ۱۶ ذوالحجه ۱۴۴۱، ۶  
آگوست ۲۰۲۰

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت  
راه‌های ارتباطی:

[www.zamanezohoor.com](http://www.zamanezohoor.com)



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد وآله  
الطاهرين

## صله امام، راه بخشش گناهان



در اینجا راه آسانی برای بخشایش همه گناهان وجود دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)

(کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تا نگدستی دهد و توانگری بخشد و شما

به سوی او بازمی‌گردید). (بقره، ۲۴۵)

از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است که این آیه «(در باره صله امام)» است و نیز از ایشان علیهم‌السلام روایت شده است که: «(در باره صله رحم است و منظور از رحم، به طور خاص رَحِم آل محمد است.)» خدای سبحان از صله امام به عنوان قرض دادن به خودش یاد کرده و این خداوند است که این بدهی را می‌پردازد.

صله امام صورت‌های مختلفی دارد؛ از جمله: صله با مال، صله با کار کردن به همراه او، و صله جهاد در پیشگاه او با زبان و دندان (گفتار و عمل) برای اثبات حق امام علیه‌السلام.

تأکید می‌کنم که کار کردن با امام برتر از دادن مال به اوست؛ زیرا کار کردن، جسم آدمی را به مشقت می‌اندازد و اگر در پیشگاه امام با زبان و دندان جهاد کند، چه بسا به از بین رفتن جسمش منجر شود. بنابراین چه رحمت عظیمی است که حجت بین مردم (ظاهر) باشد؛ چرا که باب عظیمی گشوده می‌شود؛ بابی که انسان با صله امام علیه‌السلام، به خداوند قرض می‌دهد و روز قیامت در پیشگاه خدا می‌ایستد و خداوند این قرض را تمام و کمال به او بازمی‌گرداند و اگر این بنده به تعداد شن‌های بیابان با خود گناه آورده باشد، برای او بخشیده می‌شود؛ از برای او نزد خداوند دینِ یوم الدین، قرضی است و خدا در مقابل اندک و ناچیز، بسیار عطا می‌نماید (يعطى الكثير بالقليل) و عطای او بی‌شمار است. خداوند تمام بدهی‌های این بنده و تمام حقوقی را که از بندگان بر عهده او بوده است تسویه می‌کند و بی‌حساب به بهشت واردش می‌نماید.

سید احمد الحسن (ع)، متشابهاً، جلد ۴، پرسش ۱۵۰

سید احمد الحسن علیه‌السلام:

نیامده‌ام تا خانه‌های مردم و ارتباطات اجتماعی ایشان را نابود کنم.

پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، ص ۷۶۲

# پناه بردن به دعا و تضرع به پیشگاه خداوند عزوجل

بارالها! فرستاده‌ات را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی حجت را نخواهم شناخت. بار خدایا! حجت را به من بشناسان که اگر حجت را به من شناسانی، دینم تباه خواهد شد.» [۲]

این حدیث به وضوح تأکید می‌کند که برای نجات و رهایی از فتنه‌های آخرالزمان که پیش از قیام امام مهدی علیه السلام به وقوع می‌پیوندد باید به خدای سبحان و متعال، که راهنمای سرگردانان است، پناه برد؛ پس بر همه کسانی که متصدی اصلاح مردم هستند واجب است مردم را متوجه خداوند متعال و امام مهدی علیه السلام کنند، نه اینکه برای بیشتر شدن اعوان و انصار و مال و جاه و منصب خود، توجه مردم را به خودشان جلب کنند.

پس باید پیش از اینکه امام مهدی علیه السلام تشریف‌فرما شوند فرصت را غنیمت شمارند؛ چراکه در آن روز پشیمانی سودی نخواهد داشت، و آن هنگام که امام مهدی علیه السلام به آن‌ها بفرماید: چرا امت را متفرق کردید و آن‌ها را تبدیل به فرقه‌ها و طایفه‌هایی کردید که هریک، دیگری را تکذیب کرده، در روی یکدیگر آب دهان می‌اندازند، چه عذری خواهند داشت؟!

شیخ ناظم عقیلی، شکست منتظران، ص ۵۶

۱. اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۴۸.

۲. اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۴۸.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شبهه‌ای به شما می‌رسد به گونه‌ای در آن می‌مانید که نه نشانه‌ای دیده می‌شود و نه امام هدایتگری نزد شما خواهد بود. کسی از آن نجات نمی‌یابد مگر آن کس که دعای غریق را بخواند و حضرت فرمود: اینک بگوید: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک...» [۱]

زراره بن اعین می‌گوید: ابوعبدالله امام صادق علیه السلام فرمود: «آن جوان ناچار غیبتی خواهد داشت. عرض کردم: چرا؟ در این لحظه حضرت به شکم مبارکش اشاره کرد فرمود: او منتظر است و او کسی است که مردم در تولدش شک می‌کنند، بعضی از مردم می‌گویند: مادرش باردار است و گروهی می‌گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندی از خود به جا نگذاشت، و بعضی دیگر می‌گویند: دو سال پیش از مرگ پدرش به دنیا آمده است. زراره می‌گوید: عرض کردم: اگر آن زمان را درک کردم چه دستوری برای من دارید؟ فرمود: خدا را با این دعا بخوان: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» «بار خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی، فرستاده‌ات را نخواهم شناخت.

سیداحمدالحسن علیه السلام:

آدمم تا انسان را بسازم و حقیقتش را به او بشناسانم، اگر خواهان شناخت برای رسیدن به خدا باشد، تا فرستاده خداوند و سفیر او در خلقش بشود.

پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۷، ص ۷۶۲

## سبحان الله! آل محمد علیهم‌السلام و آدرس اشتباه؟

رضای علیه‌السلام در مناظراتش، با علمای یهود و نصارا و استدلال‌های خود با آنان، بیان می‌کند که به رسول [الله] صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وصیت شده است و در تورات و انجیل که کتب آنان است، ذکر شده است. وقتی به وجود اسم محمد رسول [الله] صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ویژگی‌اش در کتاب‌هایشان اقرار کردند و به ایشان عرض کردند: ولی ما یقین نداریم که محمد مذکور در کتاب‌های ما، همان محمد شماس است و چه بسا محمد دیگری است، توقع داری که امام رضا علیه‌السلام چگونه پاسخ دهد؟ و چگونه نسبت به آنان استدلال کند؟ و آیا پاسخ ایشان، کافی است و استدلال محکمی است؟ و

است؟ طبیعتاً تو را گمراه کرده یا اصلاً برایت کاری نکرده است. و این توصیفش احمقانه است که از فرد رشید و حکیم انجام نمی‌شود. اگر چنین کاری زمانی که از فرد عادی انجام شود به حماقت توصیف می‌شود، پس انجام آن از خداوند متعال و انبیا و اولیایش را چگونه متصور می‌شوید؟! چگونه امکان‌پذیر است که ایشان، وصیت را علامت و نشانه‌ای برای وصی قرار دادند؛ ولی می‌بینیم که به وصی و افراد دیگر منطبق می‌شود! خداوند متعال از این مسئله به دور است. به همین خاطر می‌بینیم که امام

وقتی امامان علیهم‌السلام می‌فرمایند: وصی با وصیت شناخته می‌شود، به این معناست که وصیت، علامتی است که به مسئله ناشناخته‌ای برای همگان یا برخی اشاره می‌کند؛ و اگر این چنین باشد، این علامت باید فقط به صاحبش اشاره داشته باشد؛ بلکه به‌طور کلی، نباید هیچ فردی مدعی آن شود؛ به این خاطر که اگر خداوند متعال، امکان ادعای وصیت را به مدعیان بدهد یا اینکه آن را این‌گونه قرار دهد که با نام و صفت بر آنان منطبق شود، این علامت به چند مصداق منطبق می‌شود؛ یعنی به صاحب حق و دیگر مدعیان. به همین خاطر است که این علامت، علت اختلاف امت و گمراهی آن می‌شود. و این مسئله برخلاف این است که وصیت، علامت هدایتی باشد که فقط بر حق اشاره کند! اگر شما از فردی، درباره‌ی خانه زید پرسید که به‌عنوان مثال در کدام کوچه است و به تو بگوید: مقابل خانه‌اش یک درخت نخل است و زمانی که به آن کوچه بروی، مقابل هر خانه‌ی آن کوچه، درخت نخل بینی، آیا این فردی که [نشانی] خانه‌ی زید را به تو گفته، تو را هدایت کرده یا گمراه ساخته



سید احمد الحسن علیه‌السلام:

آنچه از شما در این زمان می‌خواهم این است که دین حق را بیاموزید و فرستادگان خداوند به‌سوی نزدیکان و جامعه‌تان باشید.

پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، ص ۷۶۲

اگر پاسخ ایشان، استدلال است، آیا امکان‌پذیر است که اکنون با آن استدلال کنیم یا خیر؟ استدلال امام رضا علیه السلام به اشکال آنان را بشنو: «شما با شک استدلال کردید. آیا خداوند،

قبل یا بعد از آدم علیه السلام تا امروز نبی‌ای غیر از محمد، به نام محمد برانگیخته که در بخشی از کتاب‌هایی که بر همه انبیا فرو فرستاد او را بیابند؟ آنان از پاسخ به ایشان بازماندند.»

ما اکنون از شما می‌پرسیم: آیا قبل یا بعد از زمان محمد تا امروز، خداوند فردی به جز احمدالحسن، به عنوان وصی برانگیخته است که در وصیت محمد نبی ذکر شده یا وصیت را ادعا کرده باشد؟

هر آنچه در پاسخ ما داده می‌شود، همان پاسخ نسبت به دلیل امام

رضا علیه السلام در استدلال ایشان به یهود و نصارا هم است و فردی که امامان را رد کند، خداوند متعال را رد کرده است. خداوند، ما را از این مسئله در امان بدارد. همچنین این مسئله را به شکل

روشن، در سخن امام باقر علیه السلام در دلالت بر امام مهدی علیه السلام می‌یابیم: «هر آنچه برای شما ایجاد اشکال کند، عهد و پیمان نبی الله صلی الله علیه و آله و پرچم و سلاحش، برای شما ایجاد اشکال نکند.»



... یا علی! بعد از من دوازده امام می‌باشند و بعد از آنها دوازده مهدی. پس تو یا علی! اولین دوازده امام می‌باشی. خدای تعالی تو را در آسمان علی مرتضی، و امیر مومنان، صدیق اکبر، و فاروق اعظم، و مامون و مهدی نامیده است، و این نامها برای غیر تو شایسته نیست. ای علی! تو وصی من بر خاندانم زنده و مرده شان هستی، و نیز وصی بر زانم هستی، هر یک را که تو به همسری من باقی گذاری فردای قیامت مرا دیدار کند و هر یک را تو طلاق دادی من از وی بیزارم و مرا نخواهد دید و من نیز او را در صحرای محشر نخواهم دید، و تو پس از من خلیفه و جانشین من بر اتم هستی، هر گاه وفات رسید (خلافت) را به فرزندم حسن واکذار کن، که او بر وکول است (بر به معنی نیکوکار، و وکول، به معنی بسیار پیوند کننده بین خویشان). چون او وفاتش رسید آن (خلافت) را به فرزندم حسین زکی شهید مقتول بسیار داد، چون هنگام وفات حسین رسید آن (خلافت) را به فرزندش سید العابدین ذی النفعات علی بسیار داد، چون هنگام وفات او رسید آن (خلافت) را به فرزندش محمد باقر اعلم بسیار داد، و چون وفات او رسید آن (خلافت) را به فرزندش جعفر صادق واکذار کند، و چون وفات او فرا رسید آن (خلافت) را به فرزندش موسی بن جعفر کاظم بسیار داد، و چون وفات او فرا رسید آن (خلافت) را به فرزندش علی بسیار داد، و چون وفات او فرا رسید آن (خلافت) را به فرزندش محمد تقی واکذار داد، و چون هنگام وفات او رسید آن (خلافت) را به فرزندش علی ناصح بسیار داد، و چون وفات او رسید آن (خلافت) را به فرزندش حسن فاضل واکذار داد، و چون وفات او برسد آن (خلافت) را به فرزندش محمد که مستحفظ از آل محمد (صل) است، تسلیم می‌کند، و ایشان دوازده امامند. بعد از آن دوازده مهدی می‌باشند. پس وقتی که وفات او رسید آن (خلافت) را به فرزندش که نخستین مهدیین است می‌بشارد، و برای او سه نام است: یک نام مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آنها عبد الله و احمد هستند، و نام سومین مهدی است و او اولین مومنان است.

اکنون می‌پرسیم: چگونه برای مردم، شناخت عهد و پیمان [و] «وصیتی» که نزد قائم است، امکان‌پذیر است؟ و آیا می‌گویید که قائم علیه السلام نسبت به صحیح بودنش، به شما خبر می‌دهد؟ بنابراین عرض می‌کنم: تا زمانی که مردم به ایشان شک دارند، چگونه سخن ایشان را تصدیق می‌کنند؟ و این همان طور که می‌گویند: دور روشنی است! [۱] پاسخی به جز این نیست که وصیت فقط بر صاحبش منطبق می‌شود و با قدرت و تدبیر خداوند متعال، فردی دیگر نمی‌تواند مدعی آن شود. اگر مدعی آن شود و به نام و صفتش نص و تصریح شده باشد، راست‌گوست و تشکیک در ادعای او شایسته نیست.

شیخ ناظم عقیلی، کتاب وصیت و وصی، احمد

۱. دور یعنی اینکه وجود شیء الف متوقف بر شیء ب باشد که خود آن شیء ب وجودش بر شیء الف متوقف باشد.

و در روایت دیگری است: «با او، عهد و پیمان رسول الله صلی الله علیه و آله است.» عهد و پیمان رسول [الله] همان وصیت ایشان، در شب وفاتش است که قبلاً بیان شد [در مباحث پیشین کتاب].

سید احمد الحسن علیه السلام:

امیدوارم از خانواده و فرزندانمان محافظت کنید و آن‌ها را الهی و صحیح تربیت نمایید. به آنان یاد خداوند و اطاعت از او سبحانه و آراسته شدن به اخلاق الهی را بیاموزید. پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، ص ۷۶۲

## احمدالحسن همچون یحیی و عیسی (ع) دلیل می‌آورد



رؤیای یوحناست؛ برای اینکه درک بهتری از شخصیت او داشته باشیم نخست مقدمه‌ای را تقدیم می‌کنیم:

در رؤیای یوحنا، باب چهارم با شخصیت تخت‌نشین و ۲۴ شیخ یا پیر در اطراف تخت‌نشین روبه‌رو می‌شویم (ر.ک، مکاشفه ۴: ۲-۴)، و در باب پنجم از همین رؤیا می‌بینیم که بره یا شیری از سبط یهودا، استحقاق این را دارد که کتاب را بگیرد و مهرها را بگشاید (ر.ک، مکاشفه ۵: ۱-۷)، احمدالحسن در این رابطه تبیین فرمودند:

«و آن کسی که بر تخت نشسته، همان کسی است که بر رؤیا تسلط دارد و در رؤیا روشن است که مقام این شخص از همه برتر و جایگاهش والاتر است؛ و همان طور که در رؤیا روشن است، این بیست و چهار شیخ نشسته بر تخت‌ها، نزدیک‌ترین افراد موجود در رؤیا - از جهت جایگاه - نسبت به آن شخصی هستند که بر تخت نشسته است.

بنابراین بره ذبح شده از آن کسی که بر تخت نشسته، برتر نیست و از بیست و چهار شیخ نیز برتر نیست؛ با اینکه ما در رؤیا می‌بینیم که او همان کسی است که این شایستگی را دارد که کتاب را بگیرد و مهرها را بگشاید. پس چطور فقط او این شایستگی را دارد که کتاب را بگیرد

در مقاله پیشین مشخص شد که عیسی علیه السلام نمی‌تواند مصداق شخصیت منجی در آخرالزمان باشد و بیان شد که منجی، امروز با قانون شناخت آمده است و به تأکیداتی احتجاج کرده که در کتاب مقدس در رابطه با او آمده است، و بیان شد که از عراق آمده است و نامش احمد است؛ به امید خدا در این هفته و هفته‌های آینده چنانچه وعده دادیم، به دلایل حقانیت احمدالحسن خواهیم پرداخت.

به‌طور مختصر احمدالحسن با قانون شناخت حجت‌های الهی بر طبق عهدین آمده است؛ یعنی نص، علم و حکمت و نیز دعوت به حاکمیت الهی.

اما کدام نصوص در کتاب مقدس به او اشاره دارد؟



او بره قائم یا همان شیری از سبط یهودا در

سید احمدالحسن علیه السلام:

ای مؤمنان! با احسان و دوست داشتن و محبت‌ورزی و کلام خوب و پاکیزه با همسرانتان رفتار کنید. خداوند شما را موفق بدارد.

پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۷، ص ۷۶۲



و چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌ای چون ذبح‌شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده می‌شوند.» [مکاشفه ۵: ۶]. احمدالحسن تبیین فرمود: «... و او هفت شاخ و هفت چشم دارد که آن‌ها چهارده معصوم هستند، محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان (علیهم‌السلام) ...» [نامه هدایت] همچنین آمده است: «سپس نگاه انداختم و اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده بود و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر هستند، که اسم پدر او بر پیشانی‌شان نوشته بود.» [مکاشفه ۱۴: ۱] احمدالحسن فرمود: «آنکه انصار پدرش را گرد می‌آورد چه کسی غیر از اولین مؤمنان از نسل امام مهدی (علیه‌السلام) است؟!» [نامه هدایت]



اما این شخصیت همان شخصیت «سوار بر اسب سفید»، در مکاشفه یوحناست؛ برای مثال در رابطه با بره اشاره شده است که او «رب الارباب و پادشاه پادشاهان»

و نه دیگران؛ در حالی که آنان از او نزدیک‌تر و برتر هستند؟! در نتیجه باید بره ذبح شده، به‌طور رمزگونه اشاره به یکی از بیست و چهار شیخ داشته باشد.» [سیزدهمین حواری] در نتیجه پرواضح است که بره و شیر، رمزی برای یکی از ۲۴ شیخ یا پیر است. احمدالحسن شخصیت تخت‌نشین و ۲۴ شیخ را تبیین کرده و فرمودند: «کسی که بر تخت نشسته است محمد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است و بیست و چهار شیخ که به دور او نشسته‌اند، همان خلفای خدا (علیهم‌السلام) بر زمین (ائمه و مهدیین) هستند که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در وصیت مقدسش ذکر نموده است.» [سیزدهمین حواری]

در نتیجه آنان همان خلفای خدا بر زمین (۱۲ امام و ۱۲ مهدی) هستند و بره یکی از آن ۲۴ شیخ است، و او همان «احمد» یا مهدی اول (علیه‌السلام) در وصیت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛

کسی که در رؤیای یوحنا در وصفش می‌خوانیم: «و یکی از آن پیران به من می‌گوید: «گریان مباش! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.»» [مکاشفه ۵: ۵]. «مهدی اول» از سبط یهوداست، در این رابطه احمدالحسن فرمود: «او از سبط یهوداست؛ زیرا مادر او از بنی اسرائیل (نرجس) مادر امام مهدی (علیه‌السلام) است.» [نامه هدایت] همچنین آمده است: «و دیدم در میان تخت

سید احمد الحسن (علیه‌السلام):

بر شوهر لازم است با محبت و رضایت، به وظایفش در قبال همسر و فرزندان  
بپردازد.

پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۷، ص ۷۳۹



که سوارش امین و صادق خوانده می‌شود و به عدل داوری و جنگ می‌نماید.» (مکاشفه ۱۹: ۱۱).

«صادق الامین» لقبی است که احمدالحسن را با آن خطاب می‌کردند.

همچنین در کتاب إشعیا در رابطه با منجی می‌خوانیم: «۳ و مرا گفت: ای اسرائیل تو بنده من هستی که از تو خویشتن را تمجید نموده‌ام! ۸ خداوند چنین می‌گوید: ... ۹ و به اسیران بگویی: بیرون روید و به آنانی که در ظلمت‌اند خویشتن را ظاهر سازید. و ایشان در راه‌ها خواهند چرید و مرتع‌های ایشان بر همه صحراهای کوهی خواهد بود. ۱۰ گرسنه و تشنه نخواهند بود و حرارت و آفتاب به ایشان ضرر نخواهد رسانید؛ زیرا آنکه بر ایشان ترحم دارد ایشان را هدایت خواهد کرد و نزد چشمه‌های آب ایشان را رهبری خواهد نمود.» [اشعیا، باب ۴۹]

این رهبر، یعنی «اسرائیل»، بره است: «۱۶ و دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد و آفتاب و هیچ گرما بر ایشان نخواهد رسید. ۱۷ زیرا بره‌ای که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و به چشمه‌های آب حیات، ایشان را راهنمایی خواهد نمود ...» [مکاشفه، باب ۷]؛ جالب است که بدانید «اسرائیل» کنیه احمدالحسن است.

به امید خدا در مقاله بعدی متوجه خواهید شد که طبق کتاب مقدس بره یا احمدالحسن، از بصره عراق می‌آید.

است (ر.ک، مکاشفه ۱۷: ۱۴) و در ارتباط با «سوارشونده بر اسب سفید» می‌خوانیم: «و بر لباس و ران او نامی مرقوم است؛ یعنی «پادشاه پادشاهان و رب الارباب.»» [مکاشفه ۱۹: ۱۶]



بنابراین «اسب‌سوار» همان «احمد» است؛ اما چه شواهد دیگری برای اثبات این قضیه وجود دارد که اسب‌سوار یا بره، همان احمد یا احمدالحسن است؟

طبق ترجمه نسخه عربی مسیحیان می‌خوانیم: «و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید

سید احمد الحسن (علیه السلام):

من معتقدم بیشتر اوقات، زن می‌تواند خانواده و خانه‌اش را بسازد و با نرمی و سخن نیکو و پاک، رضایت همسرش را به دست آورد و به این ترتیب، رضایت خداوند را کسب کند. پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۷، ص ۷۳۹



# پاره‌هایی از عهد ماندگار

قسمت دوم

## شرایط عهد و پیمان:

آنچه باعث متمایز شدن عهدنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک (علیه السلام) شده، ویژگی‌ها و لیاقت‌هایی است که بدان جنبه عمومی بخشیده و به خودی خود، فرمانی کامل برای هر حاکمی است برای نحوه اداره شهر خود و رفتار با مردم.

اما در این بحث ساده و ناچیز به اختصار، به توضیح برخی مفاهیم که سرور و مولایم -امیرالمؤمنین (علیه السلام)- برای کارگزار خود، مالک ذکر می‌کند خواهیم پرداخت؛ منظورم از «توضیح مفاهیم» بیان دلایل لغوی یا اصطلاحی آن‌ها نیست؛ بلکه مقصود، روشن‌گری آن در راستای حاکمیت و پیاده‌سازی این مفهوم در راهبرد امور رعیت است.

مثلاً مفهوم ارتباط با خداوند برای حاکم، با همان مفهوم برای دیگران متفاوت است؛ پس باید [ارتباط] حاکم و فرمانروا با خدا بزرگ‌تر و مؤکدتر باشد؛

چراکه حاکم در جایگاهی که هست، با زیورها و فتنه‌ها و امتحان‌های مربوط به آن جایگاه روبه‌رو می‌شود. و از سوی دیگر، واجباتی که بر گردن حاکم است به مراتب بیشتر و سنگین‌تر از غیر اوست؛ پس به ناگزیر، تکلیف‌ها متفاوت است؛ چراکه موقعیت‌ها هم متفاوت است و مقصودم از تکلیف، تکلیف جمعی نیست؛ بلکه برخی از آن تکالیف مدنظر است. گواه آن این است که امام (علیه السلام) به کارگزارش دستور می‌دهد که ارتباطش با خدا را نسبت

به قبل از دراختیارگرفتن سکان حکومت، بیش‌ازپیش تقویت کند. ایشان (علیه السلام) فایده ارتباط با خدای سبحان را برای اوروشن می‌سازد و بیان می‌کند که [اصلاً] چرا ارتباط با خدا باید باشد و به او یاد می‌دهد چگونه آن ارتباط، با نیت و سلوک باطنی و عمل ظاهری، ایجاد و میسر می‌شود و به مالک (علیه السلام) می‌فرماید که بدون درک این مفهوم، با همه جسم و جان و از همه لحاظ، نمی‌تواند کار مردم را پیش ببرد.



سیداحمدالحسن (علیه السلام):

هر انسان طبق علم و اخلاصش، جایگاهی نزد خدای سبحان دارد؛ چه این انسان مرد باشد، چه زن! پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۶، پرسش ۵۳۶



## اول: ارتباط با خداوند سبحان؛

هرکس پیگیر این عهدنامه مبارک شود، حتی با کمی دقت در آن، درمی‌یابد که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بسیار تأکید کرده‌اند که مالک (علیه السلام) با پروردگارش ارتباطی عمیق داشته باشد. پس در ابتدای کار او، وی را به تقوای الهی، مقدم داشتن اطاعت و پیروی از دستورات الهی در واجبات و سنت‌هایش امر می‌کند. در جای دیگری می‌خوانید که می‌فرماید:

«وَأَجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا

بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ وَأَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ، وَإِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَحَتْ فِيهَا النِّيَّةُ، وَسَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ. وَلِيَكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ بِهِ لِلَّهِ دِينَكَ إِقَامَةً فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ، فَأَعْطِ اللَّهَ مِنْ بَدَنِكَ فِي لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ، وَوَفِّ مَا تَقَرَّبْتَ بِهِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ كَامِلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَلَا مَنْقُوصٍ،

بِالْغَا مِنْ بَدَنِكَ مَا بَلَغَ ...» [۱]

امیرالمؤمنین (علیه السلام)

چیست؟!

پاسخش را هم از خودشان خواهیم دریافت که: اگر شخصی دارای چیزی نباشد، نمی‌تواند آن چیز را بدهد.

پس چگونه می‌شود عدالت را به کسی داد، در حالی که آن فرد، خودش عادل نباشد؟! چگونه می‌تواند عادل باشد، در حالی که عدل یکی از صفات خداست؛ کسی که فاقد صفات خداست چگونه می‌تواند بدان‌ها آراسته شود؟! و چگونه به صفات خداوند آراسته شود،

در حالی که هیچ ارتباطی با خدا ندارد؟! و نیز دیگر صفات! پس تأمل کن.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

پاره‌هایی از عهدنامه ماندگار، شهید انمار حمزة المهدی.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ خَرَّاجِهَا فِي جِهَادِ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحِ أَهْلِهَا وَعِمَارَةِ بِلَادِهَا أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاتِّبَاعِ

مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِ النَّبِيِّ لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَلَا يَشْقَى إِلَّا بِمَعْجُودِهَا وَإِطَاعَتِهَا وَ أَنْ يُخَصِّرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بَقْلِيهِ وَبَدَنَهُ وَ لِسَانَهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَّلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَعَزَّازَ مَنْ أَعَزَّهُ وَ أَمَرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ يَرْغَبَ عَنِ الْجَمَاحَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ ثُمَّ أَعْلَمَ يَا مَالِكُ أَنَّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا ذُكُورُ قَبْلِكَ مِنْ غَيْرٍ وَ جُورٌ وَ أَنْ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَ يَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ وَ إِنَّمَا يَسْتَدِلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى السَّنِ عِبَادِهِ فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَأَمَّا لَكَ هَوَاكُ وَ شَخْ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشَّخْ بِالنَّفْسِ بِالْإِنْصَافِ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَبْتَ أَوْ كَرِهَبْتَ وَ أَشْعَرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةُ لَهُمْ وَ اللَّطْفُ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ظَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صُنْفَانِ إِنَّمَا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِنَّمَا نُظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ ...

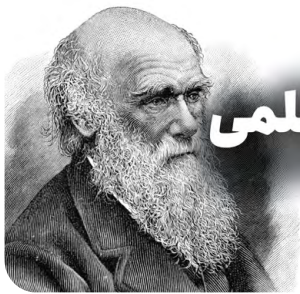


«اوقات بین خود و خدایت را بهترین و کامل‌ترین وقت‌ها قرار بده. از بدنت برای خدا کار بکش. در شب‌هایت و روزهایت، وفا کن به آنچه با آن به خدا نزدیک شدی. به صورت کامل و نه ناقص و لب‌پریده، از توانایی‌های جسمانی‌ات مایه بگذار.» و اگر از خود بپرسم علت تأکید

سیداحمدالحسن (علیه السلام):

رابطه بین همسر و شوهر باید والاتر از مسائل مالی باشد و بینشان عشق و مهربانی و ارتباط خوب و پاک برقرار باشد که تفاهم آن را رهبری می‌کند.

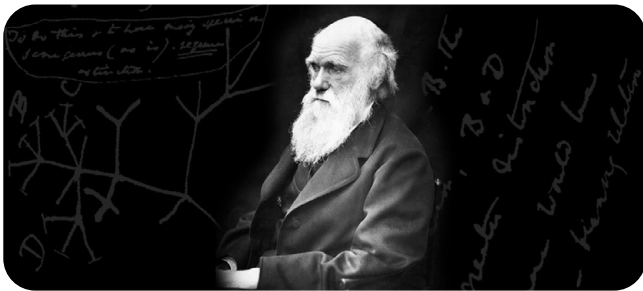
صفحه فیس بوک



## یاسر الحیب و فهم عجیب وی از نظریه‌های علمی



«این‌ها اطلاعات جدیدی است که او در اختیار ما می‌گذارد؛ مبنی بر اینکه در علوم دانشگاهی، نامیدن چیزی به‌عنوان «نظریه» به‌خودی‌خود یعنی ثابت نشده! بر این اساس نظریهٔ فیثاغورس ثابت نشده است! همچنین نظریهٔ نسبیت خاص و دیگر نظریات مطرح در ریاضیات، فیزیک، هندسه و دیگر علوم تماماً ثابت نشده است؛ زیرا این‌ها را نظریات می‌نامند!!



به‌علاوه واژهٔ عربی نظریه از ریشهٔ «نظر» است؛ که برای به‌دست‌آوردن نتیجه از پیش‌فرض‌ها نیاز به جست‌وجو، کاوش، اندیشه، دقیق‌شدن و محاسبه داریم؛ ولی برای درک اصول «بدیهی»، برخلاف نظریه نیازی به مطالعه و بررسی نیست. امکان ندارد کسی که کمترین آگاهی دارد، بر این عقیده باشد که نامیدن یک طرح و ایدهٔ خاص به «نظریه» مترادف است با ثابت‌نشدن آن ایده. نتایج سترگ علمی که دانشمندان به آن‌ها دست می‌یابند، نظریه نام دارد.

اما موضوع آن است که علوم آکادمیک

نظریه‌های علمی توضیحاتی هستند که توسط بخش بزرگی از شواهد علمی پشتیبانی می‌شوند. به عبارتی دیگر نظریه‌های علمی توضیح‌دهندهٔ فکت‌های علمی هستند که این توضیحات مستدل، مبتنی بر شواهد تأیید شده است. بنابراین معتبرترین توضیحات علمی عبارت‌اند از: نظریات تأیید شدهٔ علمی.

با این وجود یاسر حیب در پاسخ به پرسش فردی که نظر وی را در خصوص نظریهٔ تکامل خواسته است، چنین می‌نویسد:

«باسمه تقدست اسماؤه، و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

صرف‌نظر از براهین دینی، دلایل عقلی و علمی نیز نظریهٔ داروین در خصوص تکامل را از درجهٔ اعتبار ساقط می‌کند. اگر استاد شما اطلاعات بیشتری داشت، از این اعتقادش دست می‌کشید. با پدیدارشدن حقایق جدید، روزبه‌روز عقیدهٔ دانشمندان علوم طبیعی به این نظریه کم‌رنگ‌تر می‌شود. همین شما را کافی است بدانید که آن‌ها تا امروز این موضوع را در فرهنگ لغت خود «نظریه» می‌نامند و این به آن معناست که قضیه از لحاظ علمی مخدوش و تا به حال ثابت نشده است. چرا که اگر ثابت شده بود، آن را یک «حقیقت علمی» نام می‌نهادند.» [۱]

سید احمد الحسن در پاسخ به این اظهارنظر یاسر حیب می‌نویسند:

سید احمد الحسن علیه السلام:

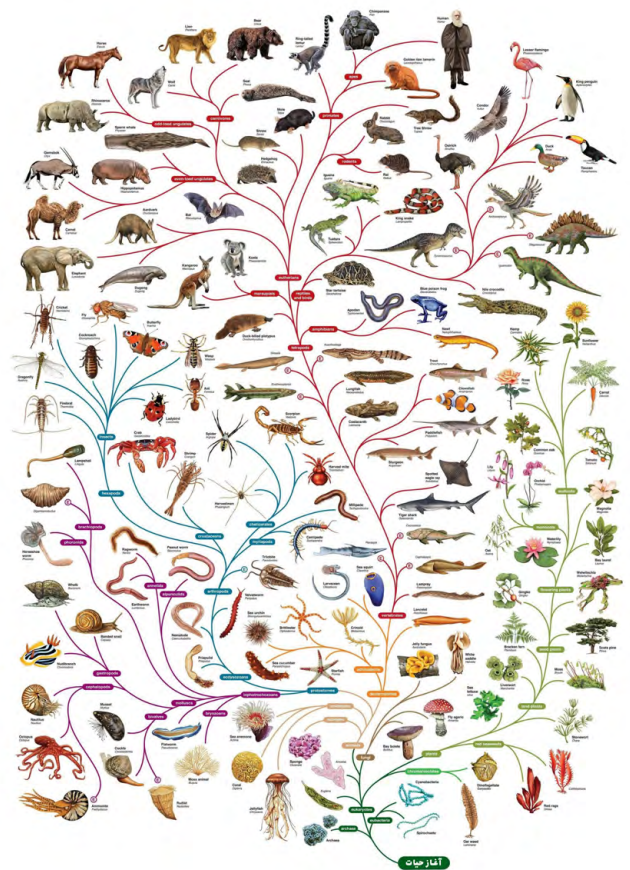
بدان درب به روی تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاصشان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند. پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۶، س ۵۳۶



بلکه یک حقیقت علمی است که بر درستی آن شواهد علمی به دست آمده از روش‌های دقیق علمی اقامه شده است؛ کما اینکه نظریهٔ مزبور از بوتلهٔ آزمایش‌های پیچیده و دقیق تشکیکی سربلند بیرون آمده است. دانش امروزی رویکرد سیستماتیک تشکیک را برگزیده است و از همین رو پیش‌بینی‌ها باید حتماً با واقعیت‌های جاری هم‌خوانی داشته باشند. نظریه را بر اساس میزان هم‌خوانی پیش‌بینی‌های آن با واقعیت می‌سنجند. تمام پیش‌بینی‌های نظریهٔ تکامل بر واقعیت منطبق است و این تطابق به‌ویژه پس از پیدایش علم ژنتیک و کالبدشناسی تطبیقی، شدت گرفته و حتی یک نمونه از عدم مطابقت ایده‌پردازی‌های این نظریه با واقعیت‌هایی که روزبه‌روز با پیشرفت علوم و توانایی بشر بر پژوهش و آزمایش کشف می‌شود، به دست نیامده است.

بنابراین تلاش برای کاستن از ارزش یک علم آکادمیک خاص فقط به این دلیل که نظریه نام دارد، تلاش زبوانه‌ای است که باید به حال صاحب چنین عقیده‌ای افسوس خورد. زیرا دانش امروزی به‌طور کلی چیزی به نام حقیقت مطلق را نمی‌پذیرد؛ بنابراین کسی که با استناد به این دلیل، یک نظریهٔ علمی را رد می‌کند و آن را قبول نمی‌کند؛ در واقع علوم پایهٔ معاصر را رد کرده؛ زیرا بر رویکرد پژوهش و تشکیک استوار شده است» [۲].

سازمان‌یافته، مفهوم حقیقت مطلق را اختیار نمی‌کند؛ حتی اگر این علوم ثابت شده باشند و با محاسبات دقیق ریاضی و مشاهداتی که شک‌وتردید در آن راه ندارد، صحت آن‌ها ثابت شده باشد، نظریه محسوب می‌شوند؛ چراکه در علوم آکادمیک بحث و بررسی به‌هیچ‌وجه تعطیل‌بردار نیست و اگر فرضاً دربارهٔ یک اصل علمی - به دلیل صحت و استواری آن - بررسی و بازبینی صورت نگیرد، جزئیات آن ممکن است همچنان محل نقد و اصلاح باشد.



۱. این پرسش و پاسخ از این سایت نقل شده است:

سایت قطره برای چشم‌اندازها و سخنرانی‌های شیخ یاسر حبیب، نظر شما در خصوص نظریهٔ تکامل داروین چیست؟ قابل دسترس در نشانی:

<http://alqatrah.net/an173>

۲. احمد الحسن، توهم بی‌خدایی، ترجمهٔ فارسی، ص ۵۵۱.

نظریه‌خواندن یک مقولهٔ علمی، تأیید آن از سوی دانشگاه‌ها و محافل وزین علمی در گوشه‌وکنار جهان و تدریس آن به‌عنوان نظریه‌ای علمی درست و استوار، به آن معناست که این نظریه، صرفاً محصول اندیشهٔ یک شخص یا نهاد نبوده؛

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

در طاعت خداوند منتظر رأی و نظر والدین خود نباش؛ ولی در هر وضعیتی با آن‌ها با احسان و نیکویی رفتار کن. پاسخ‌های فقهی، ج ۳، ص ۱۰۹

## اهتمام به یادگیری روایات اهل بیت علیهم‌السلام

تمرکز داشته باشند و به جای بحث درباره مسائلی که چشم‌وگوش از آن‌ها پر شده است و فایده خود را از دست داده‌اند، بحث و جست‌وجو در خصوص امام مهدی علیه‌السلام را در حد نهایت انجام دهند.

مردم هر ساله مسائلی را پای منبرها می‌شنوند که در سال‌های گذشته مطرح شده و شنیده‌اند. آیا کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوارتر است از او پیروی شود یا کسی که خود نیاز به هدایت دارد؟ شما را چه شده است؟ [چرا] این‌گونه حکم می‌کنید؟ و واضح‌ترین مصداق حق در زمان ما، خود امام مهدی علیه‌السلام است. (ارواح ما فدای مقدم پاکش).

شیخ ناظم عقیلی، شکست منتظران، ص ۵۵

کند و فتنه‌هایی که پیش از امام وجود دارد و راه خروج از آن‌ها را برایشان بیان کنند، تا با وقایع و حوادث غافل‌گیر نشوند و به‌گونه‌ای حیران نشوند که نتوانند فرق بین حق و باطل را

زرارة بن اعین نقل می‌کند: شنیدم امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: «نداده‌های از آسمان ندا می‌دهد: فلانی همان امیر است و منادی دیگری ندا می‌دهد: علی و شیعیانش پیروز و رستگارند.

عرض کردم: بعد از این چه کسی با مهدی علیه‌السلام خواهد جنگید؟ فرمود: شیطان ندا می‌دهد: فلانی (مردی از بنی‌امیه) و شیعیانش رستگارند».

عرض کردم: چه کسی راست‌گو را از دروغ‌گو بازمی‌شناسد؟ فرمود: «کسانی او را می‌شناسند که احادیث ما را روایت می‌کنند و پیش از آنکه این امر واقع شود می‌گفتند محقق می‌شود، و می‌دانند که آنان خود بر حق و

راست‌گو هستند.» [۱]

تشخیص دهند؛ پس بر تمام منبری‌ها و جویندگان علم واجب است که بر قضیه امام و فتنه‌های پیش از قیام ایشان

این دعوتی است از سوی امام صادق علیه‌السلام به شیعیان که احادیث آن بزرگواران را برای مردم روایت



۱. غیبت نعمانی، صفحه ۲۷۳

سید احمد الحسن علیه‌السلام:

و برای مؤمن بهتر است که به نزدیکان خود نیکی کند و به هر وسیله‌ای که ممکن است برای هدایت آن‌ها تلاش نماید؛ اما در خصوص پدر و مادر، باید به آن‌ها نیکی شود، هر چند ایمان نداشته باشند. پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۵، ص ۴۳۹



## سؤالاتی در خصوص خمس



پرسش ۳۶: حکم فردی که زمان سال خمسی اش را برای مال التجاره‌ای که با آن کار می‌کند فراموش کرده است، چیست؟



پاسخ: اگر زمان مشخصی را احتمال می‌دهد، بر اساس آن عمل کند؛ وگرنه زمان جدیدی را مشخص نماید.

سید احمدالحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، متفرقه، ج ۵



پرسش ۳۸: در شهرهای ما مرسوم است که برای کودکان، قبل از ولادتش و نیز پیش از بلوغش وسایل و بازی‌ها و لباس‌هایی را می‌خرند. این چیزها، برای کودک است و هنوز متولد نشده است یا اینکه بالغ نشده است تا از آن استفاده کند. آیا خمس در آن واجب است؟



پاسخ: واجب نیست.

سید احمدالحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، متفرقه، ج ۵

سید احمدالحسن علیه السلام :

شما و مؤمنین را سفارش می‌کنم که با همسران و خانواده‌تان نیکوکار باشید؛ خداوند شما را توفیق دهد.

پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۵، س ۴۶۵



# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد  
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.  
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.  
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد  
می شود، اکنون در میان ماست.  
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام  
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،  
سالهاست که منتظر شماست.  
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با  
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.